پارسیان دژ
تاریخ، فرهنگ و میراث ایران

مجموعهٔ مقاله‌ها
نسخهٔ ماندگار

داریوش بزرگ

روزي كه اروپا فرمانروايي داريوش بزرگ را پذيرفت

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی
انتشار: ۷ تیر ۱۳۹۳ · ۴ دقیقه مطالعه

چکیدهٔ مقاله

(داريوش بزرگ نخستين فرمانرواي سه قارهي آسيا، آفريقا و اروپا) داريوش هخامنشي در سال ٥١٤پ.م(٢٥٢٨ سال پيش) براي سركوبي سكاهاي جنوب روسيهي كنوني به اروپا لشكركشي كرد. «آريارَمنه» ساتراپ «كاپادوكيه» به دستور داريوش تا جزيره كِريمه-در اُكراين امروزي- پيش راند و گزارشهاي ارزشمندي را براي انجام اين سفر به داريوش داد. پيش از داريوش هخامنشي، كوروش بزرگ و فرزندش كمبوجيه، بخشهاي گستردهاي از آسيا و آفريقا را به خاك ايران افزوده بودند و در آن زمان داريوش در صورت پيروزي ميتوانست نخستين فرمانرواي سه قاره

پارسیان دژ / داریوش بزرگ

(داریوش بزرگ نخستین فرمانرواي سه قارهي آسیا، آفریقا و اروپا)

داریوش هخامنشي در سال ٥١٤پ.م(٢٥٢٨ سال پیش) براي سرکوبي سکاهاي جنوب روسیهي کنوني به اروپا لشکرکشي کرد. «آریارَمنه» ساتراپ «کاپادوکیه» به دستور داریوش تا جزیره کِریمه-در اُکراین امروزي- پیش راند و گزارشهاي ارزشمندي را براي انجام این سفر به داریوش داد. پیش از داریوش هخامنشي، کوروش بزرگ و فرزندش کمبوجیه، بخشهاي گستردهاي از آسیا و آفریقا را به خاك ایران افزوده بودند و در آن زمان داریوش در صورت پیروزي ميتوانست نخستین فرمانرواي سه قارهي آسیا، آفریقا و اروپا شود. آهنگ نظامي داریوش علیه سکاها، افزون بر رسمیت یافتن قدرت سیاسي و نظامي ایرانیان در بالکان، انگیزههاي دیگري همچون گرفتن بخشهاي از یونان شمالي و کوتاه کردن دست سکاها از مرزهاي شمالي و خاوري(:شرقي) ایران و سفر به سرزمینهاي ناشناخته را در برداشت. سرانجام داریوش پس از دریافت گزارشهاي گوناگون از شوش بهسوي آسیاي کوچك(:آسیاي صغیر) به راه افتاد و تا «بُسفور» پیش راند. «ماندروکِلِس» به سفارش شاهنشاه، پلي از کشتي بر روي بسفور زد. داریوش از کار معمار «ساموسي» سپاسگزاري کرد و به او پیشکشهاي گرانبهایي بخشید. به دستور «ماندروکلس» پردهاي از داریوش بزرگ کشیدند که او را تکیه زده بر تخت شاهي نشان ميداد در حالي که سپاه او آمادهي گذشتن از پل بود. او پس از چندي این اثر را در شهر خود به معبد الاهه هِرا پیشکش کرد.

شاهنشاه دستور داد تا در کرانهي اروپایي بسفور دو سنگ ایستاده(:قائم) از مرمر سفید برپا کنند. یکي با نبشتهي پارسي باستان، ایلامي و بابلي و یکي هم با نبشتهاي به یوناني. هرودوت گزارش ميکند: «او در آن به نام همهي مردماني که به همراه داشت اشاره کرده است؛ و او همهي مردماني را که بر آن فرمان ميراند به همراه داشت». داریوش به «ایونیاییها»-مردمان خاوري مدیترانه- فرمان داد که با ناوگانهاي خود تا مَصَب رود دانوب پیش روند و در آنجا پلي بر روي رودخانه بزنند و خود با نیروي زميني رو به آن سوي نهاد. داریوش در هیچ جایي از تراکیا با

پايداري روبه‌رو نشد. در بلغارستان كنوني «گِت‌ها»-گونه‌اي از مردمان بلغارستان- پايداري كردند، اما سپاه ايران اين پايداري را درهم شكست. ايونيايي‌ها به فرمان «هيستيايوس‌ملطي» پلي از كشتي ساخته بودند؛ در بالاي دلتاي رود و در پايين مَصَب «پروث». داريوش به آنها فرمان داد تا از پل نگهباني كنند و دو ماه چشم به راه او بمانند و اگر او پس از دو ماه بازنگشت پل را برچينند و ناوگان به ميهن بازگردد.

داريوش پيش‌بيني كرده بود كه حتا اگر سكاها از نبرد رودررو پرهيز كنند باز هم مي‌تواند در زمان گفته شده به دانوب بازگردد. همين‌گونه هم شد. سكاها از فن جنگي زمين سوخته استفاده كردند. آن‌ها از نبرد دوري مي‌كردند، چراگاه‌ها را تباه كردند و به شيوه‌ي جنگ و گريز به سپاه ايران تلفاتي وارد آوردند. با اين وجود داريوش سراسر «بِسارابي» را در نورديد، اما در «دنيِستر» مي‌بايست سفر خود را به پايان مي‌برد. هيستيايوس‌ملطي آهنگ آن را داشت كه پل روي دانوب را برچيند، كه شاهنشاه درست پس از دو ماه بازگشت. گويا او به پيروزي‌هايي در اين سفر دست يافته بوده كه به او اجازه مي‌داد درسنگ‌نبشته‌هاي سپسين(:بعدي) خود از«سكاهاي‌آن‌سوي‌دريا» هم در ميان مردمان زير فرمان خود نام ببرد. داريوش بزرگ با رسيدن به «بيزانس» فرماندهي سپاه را به سردار خود «بَگَبازوش» داد و از او خواست تا بر ديگر بخش‌هاي «تراكيا» و سپس مقدونيه، همسايه‌ي خاوري آن چيره شود. بنابراين دو ساتراپي ديگر به قلمرو فرمانروايي هخامنشي افزوده شد. شاهنشاه زمستان را در سارد گذراند و در اين جا برادر خود «اَرتَفرناه» را به ساتراپي «لوديا» گمارد. هنگامي كه «بَگَبازوش» به سارد بازگشت، به پاس خدماتش به ساتراپي «آراخوزيا»-نام بخشي باستاني در قندهار كنوني- رسيد. به جاي او «هوتانه»، يكي از ياران داريوش در كشتن گئَوماته و فاتح ساموس، به فرماندهي نيروهاي ايراني در كرانه‌هاي آسياي كوچك گمارده شد و او بر جزيره‌هاي بي‌شماري در درياي مديترانه چيره شد. بنابراين بايد گفت هجوم به سكاييه يك كردار بزرگ نظامي بود كه جهان آن زمان چنين شكوهمندي شاهانه‌اي را به خود نديده بود. همچنين نه پيش از آن زمان، هيچ سرداري توانسته بود آن مسافت دراز را از كرخه تا ولگا بپيمايد و نه پس از آن در ذهن سرداران نظامي جهان توانست پديد آيد. مديريت و كارداني داريوش شوندي(: دليل) شد كه پس از آن تا پايان روزگار هخامنشيان هرگز سكاها به مرزهاي ايران نزديك نشوند. در نتيجه داريوش با اين امر نخستين فردي بود كه توانست بر بخش‌هاي گسترده‌اي از قاره آسيا، آفريقا و اروپا فرمانروايي كند.

ياري نامه: ۱. محمودآبادي، اصغر، ديپلماسي هخامنشي از ماراتن تا گرانيك، چاپ سوم، تهران، انتشارات مينو، ۱۳۹۲. ۲. هينتس والتر، داريوش و ايرانيان تاريخ فرهنگ و تمدن هخامنشيان، ترجمه پرويز رجبي، تهران، نشر ماهي، ۱۳۸٦.

*نوشتار از ميثم اسدي كارشناس ارشد تاريخ >برگرفته از امرداد

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «روزي كه اروپا فرمانروايي داريوش بزرگ را پذيرفت»، پارسیان دژ، ۱۳۹۳.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وب‌سایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

https://parsiandej.ir/articles/1519/pdf/روزی-که-اروپا-فرمانروایی-داریوش-بزرگ-ر.pdf

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵